

پتال جامع علوم عشق

# ایران شناسی

- از چشمه خورشید (۱) (یادداشت‌هایی از ژاپن) / دکتر هاشم رجب‌زاده
- ایران در نامه‌های ایرانی منتسکیو / فاطمه عشقی

## یادداشت‌هایی از ژاپن

### کتابهای فارسی در ژاپن

دو پژوهنده ژاپنی، تورو می ژورا Toru Miura دانشیار دانشگاه اوچانومیوزو Ochanomizu و خانم یوکیکو هم می Yukiko Hemmi از بخش شرقی کتابخانه مجلس ژاپن، به تازگی تحقیقی درباره منابع نوشته شده به زبانهای گوناگون رایج در دنیای اسلام موجود در کتابخانه‌های سرزمین آفتاب، عمده کتابخانه‌های دانشگاهی، به انجام رسانده و حاصل آن را در جزوه‌ای در سلسله نشریات «مطالعات زمینه‌ای اسلامی» (Islamic Area studies) ارائه کرده‌اند (توکیو، ۱۹۹۸). مطالعات زمینه‌ای اسلامی که به صورت طرح پژوهشی پنج ساله با شرکت بسیاری از خاورپژوهان ژاپن و حمایت وزارت فرهنگ این کشور بنیاد گرفته است، در فرصتی دیگر معرفی خواهد شد. پروفیسور یوزو ناگاتا Yuzo Nagata سرپرست بخش ششم پژوهشی این طرح در مقدمه‌ای برگزارش وضع منابع اصیل به زبانهای شرقی موجود در کتابخانه‌های ژاپن یادآور شده که در این سالها توسعه کاربرد و یکدست شدن هر چه بیشتر آوانگاری (transliteration) مشخصات متون و منابع به خطوط غیرلاتینی در کتابخانه‌ها و استفاده فزاینده از رایانه‌ها، کار فهرست‌نویسی این منابع و نیز دست‌یابی آسان به متون و مراجع موردنیاز به کمک کامپیوتر (search) را روانتر و به وسعت و سهولت دسترسی اهل تحقیق به این منابع یاری کرده، و این گزارش هم در جهت این مقصود و برای نمودن پیشرفت‌های به دست آمده و نیز موانع بازمانده است.

بررسی یاد شده به کمیّت و وضع نگاهداری، فهرست‌نویسی، ارائه و استفاده از منابع نوشته شده به زبانهایی که عمده در دنیای اسلام کاربرد دارد در کتابخانه‌های دانشگاهی و تحقیقی ژاپن پرداخته است. این زبانها شامل عربی، فارسی، کردی، ترکی امروز، ترکی عثمانی، دیگر زبانهای ترکی اصل (آذربایجان، قزاق، تاتار، ترکمان، اوزبک، اویغور،...) اردو، هندی، اندونزیایی و مالی است. این تحقیق به منابع چینی نپرداخته است.

برای این بررسی ۴۴۰ پرسشنامه در تابستان ۱۹۹۷ به آن دانشگاههای ژاپن که برابر آمار بیش از ده هزار جلد کتاب به زبانهای اروپایی دارند، و شماری برگزیده از کتابخانه‌های دانشکده‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی وابسته به دانشگاههای غیرفنی و علمی فرستاده، و با پی‌گیری‌ها ۲۷۱ پاسخ دریافت شد. وضع آنهايي هم که پاسخ نداده بودند با مراجعه و پرس‌وجو، تا حد ممکن، ارزیابی شد.

یافته‌های این بررسی نشان می‌دهد که حدود ۲۰ درصد مؤسسه‌های بررسی شده منابع اصلی به زبانهای متداول در دنیای اسلام دارند. گفتنی است که شماری از این مؤسسه‌ها که دوره‌های درسی و تحقیقی هم در زمینه شرق و اسلام‌شناسی دارند پاسخ داده‌اند که از این منابع هیچ در بساط ندارند.

از منابع مورد بررسی، حدود ۴۰ درصد آن به سفارش استادان، ۷ درصد به درخواست دانشجویان، نزدیک ۲۰ درصد به ابتکار و انتخاب و سلیقه خود کتابخانه‌ها فراهم آمده، و بیش از ۲۰ درصد آن کتابهای اهدا شده است و حدود ۱۲ درصد آن هم به انگیزه‌ها و راههای دیگر گرد آمده.

جدول زیر شمار منابع کتابخانه‌ها را به هر یک از منابع شرقی نشان می‌دهد:

نوع منابع	خط و زبان منابع	کتاب	مجله	میکروفيلم	نسخه خطی
	عربی	۵۴,۶۲۵	۳۴۱	۴۲۷	۶۴۶
	فارسی	۲۹,۶۳۷	۴۴۹	۲۴	۷۲
	ترکی / عثمانی	۲۲,۹۳۶	۳۸۹	۱۰۵	۳۹
	دیگر زبانهای ترکی	۳,۱۳۱	۳	۷۱	
	اردو	۶,۱۵۱	۲۶	-	
	هندی	۳۹,۶۶۷	۵۰۱	۵,۰۰۰	
	مالی	۸,۷۹۱	۲۳۴	۱,۰۰۰	
	زبانهای دیگر	۸۳۲	-	-	

این ارقام را باید با احتیاط پذیرفت، یکی ازین رو که کتابخانه‌های پاسخ دهنده نظر و رویه ثابت و واحد و قاطعی درباره مطالب پرسیده شده، مانند تشخیص متون از فرهنگنامه‌ها یا اینکه مجلدات کتابی متن پیوسته و واحدی است یا که باید جدا جدا شمار شود، نداشته‌اند. دیگر اینکه کتابخانه‌هایی که میکروفیلم یا نسخه خطی دارند بسیار کم‌شمارند، و با این همه با تجربه‌ای که نگارنده دارد رقمی که برای کتابهای خطی فارسی آمده بسیار کمتر از شمار واقعی است. برای نمونه، کتابخانه دانشگاه مطالعات خارجی کیوتو مجموعه‌ای غنی از کتب خطی فارسی، بعضاً متون ارزنده یا نسخه‌های نفیس، دارد و کتابخانه‌های معتبر دیگر مانند کتابخانه‌های دانشگاه‌های توکیو و کیوتو هر کدام چند نسخه خطی فارسی در گنجینه‌شان دارند و به آن می‌بالند.

کتابخانه‌های دانشگاهی و تحقیقی ژاپن بر حسب شماره کتابهایشان به زبانهای شرقی، به

ترتیب زیر طبقه‌بندی شده‌اند:

خط و زبان کتابها	عربی	فارسی	ترکی/عثمانی	دیگر زبانهای ترکی
دارای کمتر از ۱۰ جلد کتاب	۱۷	۲۰	۱۶	۱۲
دارای ۱۰ تا ۵۰ جلد کتاب	۲۹	۳۲	۲۵	۱۶
دارای ۵۰ تا ۱۰۰ جلد کتاب	۵	۷	۷	۰
دارای ۱۰۱ تا ۵۰۰ جلد کتاب	۱۳	۱۱	۹	۰
دارای ۵۰۱ تا ۱۰۰۰ جلد کتاب	۶	۴	۱	۱
دارای ۱۰۰۱ تا ۲۰۰۰ جلد کتاب	۱۳	۵	۴	۲
دارای ۲۰۰۱ تا ۵۰۰۰ جلد کتاب	۳	۳	۲	۰
دارای بیش از ۵۰۰۰ جلد کتاب	۲	۱	۱	۰

۲۵۰

کتابخانه‌ای که بیش از پنج هزار کتاب به فارسی دارد، بخش شرقی کتابخانه مجلس ژاپن،

تویو بونکو، است.

حدود نیمی از کتابخانه‌های بررسی شده کمتر از ۵۰ نسخه کتاب و منابع دیگر به زبانهای

شرقی دارند، و بر حسب زبان، بیشتر این منابع به عربی و فارسی است.

از نظر کتابداری، از ۱۰۴ کتابخانه که مجموعه قابلی دارند ۶۸ کتابخانه پاسخ داده‌اند که این

کتابها فهرست‌نویسی شده، و در ۲۱ کتابخانه هم این کار برای بخشی از مجموعه‌شان انجام شده

است. مانع عمده بیشتر کتابخانه‌ها در این کار مشکل زبان (الفبای نامانوس غیر ژاپنی و

غیر لاتینی این کتابها) و نداشتن کتابدار یا همکار دانشگاهی آشنا به این زبانها است.



تهران - ۱۳۷۶ - ایرج افشار - دکتر هاشم رجبزاده و علی دهباشی

۲۵۱

در فهرست‌نویسی و شیوه مرتب کردن کتابها، پاسخ‌های رسیده گویا است که ۳۳ کتابخانه به زبان اصلی فهرست می‌کنند و ۵۷ کتابخانه به آوانگاری لاتینی. در آوانگاری هم شیوه کنگره (Library of Congress=LC) و نیز ترتیب فهرست‌نگاری ژاپن (Nippon Catalogue Regulations=NCR) رایج‌تر است. سه چهارم این کتابخانه‌ها راهنمای فهرست‌نگاریشان AACR2 (Anglo American Catalogue Rules, 2nd Edition) است.

بیش از ۹۰ درصد این کتابخانه‌ها منابع خود را در دسترس عموم می‌گذارند. حدود ۲۷ تا شان کتاب امانت می‌دهند و کتابخانه‌هایی به همین تعداد هم مراجعان را راهنمایی یا به جای دیگر معرفی و برایشان کتاب‌یابی می‌کنند.

در تحصیل منابع تازه، بیشتر کتابخانه‌ها کار را به مدرسان و محققان دانشگاه خود یا به کتابفروشان وامی‌گذارند یا به امید اهدای کتاب می‌نشینند، و شماری هم در کشور محل انتشار کتابها به جستجو برمی‌آیند. چندتایی از کتابخانه‌ها هم دریافته‌اند که وقت آن آمده است که مجموعه معتبری از این کتابها فراهم آورند.

با همه توسعه‌ای که در فن و استفاده از کامپیوتر شده است، بیشتر این کتابخانه‌ها هنوز به این وسیله در فهرست‌نگاری و مآخذیابی (search) مجهز نیستند. شماری از کتابخانه‌ها خواستار ایجاد مرکز و خط ارتباطی کامپیوتری (online database system) به وسیله یک کتابخانه عمده



برای تسهیل کلی کار هستند. لازمه این کار هم به روش درست درآوردن و یکنواخت کردن آوانگاری در فهرست‌نویسی به لاتینی و تهیه شیوه‌نامه است و نیز آموزش دادن کتابداران برای استفاده از آن و دنبال کردن این شیوه.

از حدود ۲۰ درصد دانشگاهها و مراکز تحقیقی ژاپن (جز مؤسسه‌های علوم و فنون) که منابع کتابخانه‌ای به زبانهای شرقی دارند، بیشترشان هنوز اداره و استفاده درست از آن را «کار تخصصی» و بسیار دشوار می‌دانند. عمده این دشواری در فهرست‌نویسی است. از نظر مراجعان این کتابخانه‌ها اگر منابع شرقی به الفبای این زبانها فهرست‌نویسی شود و به مأخذیابی رایانه‌ای (search) هم دسترسی باشد، استفاده از این منابع بسیار آسان خواهد شد. برای رسیدن به این مقصود باید روش واحدی در فهرست کردن کتابها معمول شود و مرکز و خط اطلاعات کامپیوتری هم با همت کتابخانه‌هایی که مجموعه‌ای غنی از منابع شرقی دارند بنیاد گیرند.



با تجربه‌ای که نگارنده از سالها گشت و گذار در شماری از کتابخانه‌های دانشگاهی و مراکز تحقیقی ژاپن دارد، نکته‌های زیر را به توصیه‌های پایان گزارش یاد شده می‌افزاید:

— کامپیوتر بسیاری از کارها را، و از آن میان کتابداری و کتاب‌یابی، آسان کرده است. اما این وسیله برای دسترسی به منابع شرقی کتابخانه‌های ژاپن هنوز چندان کارساز نیست. این کار کتابخانه شرقی ژاپن (تویو بونکو) است که همچنان که در گذشته فهرست واحد (Union Catalogue) برای کتابهای فارسی موجود در کتابخانه‌های ژاپن آماده می‌کرد، اکنون مرکز اطلاعات کامپیوتری کتاب‌یابی ایجاد کند. این کار بسیار آسان‌تر و کم‌هزینه‌تر از چاپ و توزیع هر چند سال یکبار کاتالوگ‌های پرحجم است.

— کتابخانه‌های عمده ژاپن که منابع فارسی دارند، و به ویژه کتابخانه شرقی (تویو بونکو) از صورت زندان کتاب بیرون آیند، و به مدرسان و محققان دانشگاهها با شیوه و ترتیب مطمئنی که ضامن حفظ کتابها هم باشد، کتاب امانت بدهند.

— کتابخانه‌ها در فهرست‌نویسی کتابهای شرقی دقت بیشتری به کار ببرند و در این کار از دانش و تخصص مدرسان و محققان دانشگاه یا مؤسسه خود بیشتر بهره بگیرند.

— کتابهای بیشتری در قفسه باز در دسترس دانشجویان و اهل تحقیق که به مخزن کتابخانه راه ندارند گذاشته شود. دیدن و ورق زدن کتاب در کتابخانه خود شوق برانگیز است.

— کتابخانه‌ها علاقه بیشتری به دریافت کتاب به صورت اهداء از سوی استادان سالخورده یا بازماندگان آنها که در گذشته‌اند نشان دهند، و مجموعه‌های اهدا شده را فقط یادگار در صندوق ماندنی یا بار تازه بر دوش خود ندانند. فهرست آن را زود انتشار دهند و کتابها را در دسترس

پژوهندگان و دانشجویان بگذارند.

— نسخه‌های خطی را که بیشتر هدیه پژوهندگان کهنسال روزگار دیده است، کتابخانه‌ها قدر بشناسند و خوب نگهداری کنند. میان این نسخه‌ها گاه کتابهای نفیس یافت می‌شود. — اهدای کتاب به کتابخانه‌های عمده دانشگاهی و تحقیقی ژاپن و کشورهای دیگر که چندین دهه پیش از سوی ناشران کتابهای وزین و متون اصیل، مانند بنیاد فرهنگ ایران، آغاز شد و کاری بسیار مؤثر در توسعه فرهنگ ایران و زبان فارسی در جهان بود، از سرگرفته شود.

### فتح گرجستان به دست لشکر مغول

این عنوان مقاله‌ای است که از پرفسور سی ایچی کیتاگاوا استاد دانشگاه هیروساکی در شماره اخیر مجله انجمن خاورشناسی ژاپن (اورینت، دوره چهارم، ش ۱۹۹۷/۲) درج شده است. چکیده آن در زیر می‌آید:

در سال ۱۲۳۶ م. (۶۳۴-۶۳۳ هـ) لشکر مغول به سرداری چرماغون نویان به تصرف پادشاهی گرجستان پرداخت. مغولان از اردوگاه خود در اران روانه شدند و به شمال غرب راندند. نخست، شهرها و نواحی کناره شاخه‌های غربی ناحیه وسطای رودخانه گر را ویران و غارت کردند، و سپس به سه دسته شدند: دسته‌ای به راه شمال به سوی ایالات مرکزی و شرقی گرجستان رفتند، دسته‌ای دیگر راه جنوب را در پیش گرفتند و شهرهای آنجا را گشودند، و دسته سوم به ولایات جنوب غرب گرجستان یورش بردند. بدینسان تقریباً سراسر گرجستان به تصرف آنها درآمد.

پس از برنشستن مونگکه (منکو) قآن، بخش‌های تصرف شده گرجستان به حکومت ارغون آقا سپرده شده، و او در سال ۱۲۵۴ م. (۶۵۲-۶۵۱ هـ) اهالی آنجا را سرشماری کرد، و سپس این سرزمین به سه تومانی تقسیم شد. هر تومانی شامل ناحیه‌ای بود که می‌توانست ده هزار سرباز بدهد. به دنبال این سرشماری، نظام مالیاتی تازه‌ای هم از سوی ارغون آقا وضع شد.

### زبان معیار

وزارت فرهنگ ژاپن، و هیأت‌های مسؤول سخت مراقب کاربرد زبان در سطح‌های گوناگون جامعه و به ویژه میان آموزش یابندگان و جوانانند. وزارت فرهنگ شیوه آوانگاری کلمه‌های بیگانه با الفبای ژاپنی (کانا) را به دقت معین می‌کند. این برای کلمه‌هایی است که در زبان ژاپنی پذیرفته شده است یا می‌شود، و شمار آن بسیار است. نیز مراقبند که واژه‌های ژاپنی درست به کار برود. اندازه این مراقبت را ازین نمونه می‌توان دریافت که چندی پیش شورای بررسی واژه‌ها،

مرکب از شمار بسیاری ادیب و زبان‌دان و کارشناس به وزارت فرهنگ ژاپن پیشنهاد کرد که تمایل تازه پیدا شده میان جوانها در کوتاه کردن دو فعل («نیره‌رو» به جای «نیواره‌رو»، به معنی به نظر رسیدن، و «تابه‌رو» به جای «تابه راره‌رو» به معنی قادر به خوردن بودن) درست نیست و باید جلوی آن گرفته شود.

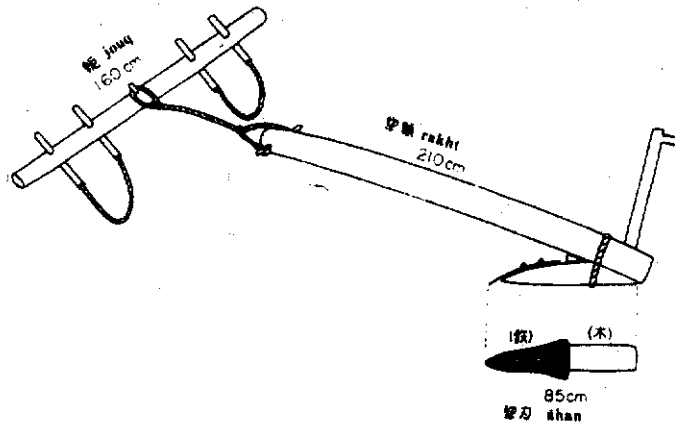
نیز دربارهٔ زبان کاربردی، بررسی هیأتی که از سوی وزارت فرهنگ ژاپن مأمور تحقیق در الفاظ مؤدبانه و فروتنانه شده بود نشان داد که بسیاری از مردم این الفاظ را به اشتباه به جای یکدیگر می‌آورند، چنانکه در اشاره به خود به جای لفظ فروتنانه مؤدبانه می‌گویند (مانند فرمودم به جای عرض کردم در فارسی) می‌گویند. برآورد شده است که ۴۰ درصد مردم در سخن گفتن چنین اشتباهی می‌کنند. توصیه شده است که وزارت فرهنگ موضوع را بیشتر بررسی و راه چاره‌ای پیدا کند.

### آب و جامعه ایران

انتشار کتاب پر بار آقای ریوایچی هارا استاد دانشگاه دایتو بونکا در ایالت سایتامای ژاپن و محقق کوشای کشاورزی و جامعه روستایی ایران در سال پیش (۱۹۹۷ / ۱۳۷۶) با استقبال روبرو شد. این کتاب «ایران - نو میزوتو شاکای» (Iran-mo Mizu to Shakai) (ایران، آب و جامعه آن) عنوان دارد و نویسنده در آن به بررسی احوال اقتصادی و اجتماعی روستای ایران به ویژه در ناحیه بیرجند و بر زمینهٔ آب و آبیاری پرداخته است. چندین معرفی و نقد تحسین‌آمیز از سوی پژوهندگان آشنا به موضوع در نشریه‌ها و مجله‌های تخصصی دیده شد که تازه‌ترین آن معرفی مقاله مانند آقای شوه‌ای کوماکی دانشیار دانشگاه سوئیای ژاپن در شماره ۱ دورهٔ چهارم و یکم (۱۹۹۸) مجله اورینتو (Oriente)، نشریهٔ انجمن خاورشناسی ژاپن (صفحه‌های ۱۷۶ تا ۱۸۲) است.

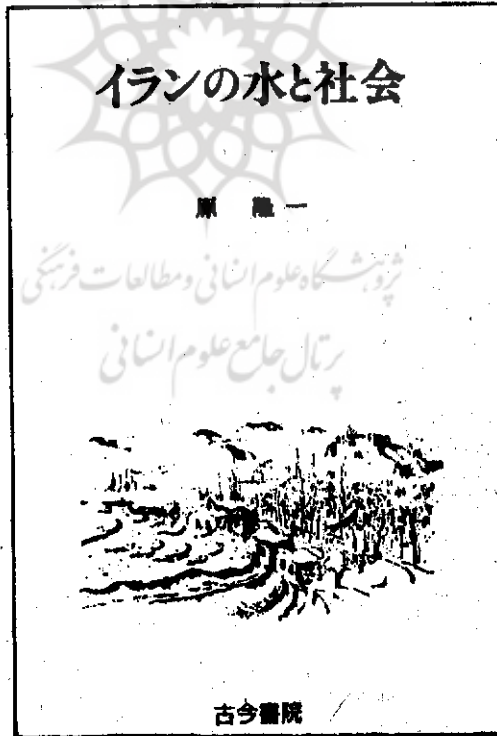
این کتاب حاصل سالها تحقیق آقای هارا ایران‌پژوه فارسی‌دان، و بارآمد تلاش پی‌گیر و سفرهای بسیار و زندگی و اقامت و بررسی دقیق نویسندهٔ آن در روستاهای بیرجند است، و چنانکه از متن و نیز فهرست مطالب پایان کتاب برمی‌آید از مآخذ فراوان بهره گرفته است. آقای هارا، متولد ۱۹۴۶، دورهٔ عالی جامعه‌شناسی را در دانشگاه کی‌تو گیجو کو گذرانده و از سالها پیش به تحقیق در روستاها و نظام آبیاری کشاورزی ایران همت نهاده و از راهنمایی و تجربهٔ ایران‌شناسانی مانند پرفسور موریو اونی متخصص جامعه‌شناسی روستایی ایران برخوردار بوده است، و اکنون تدریسش در دانشکدهٔ روابط بین‌المللی دانشگاه دایتو بونکا برای پاس داشتن زبان فارسی و فرهنگ ایران و معرفی آن به جامعهٔ پژوهشی و مردم ژاپن مغتنم





○ طرحی از گاواهن و اجزای آن

۲۵۵



○ روی جلد کتاب «ایران - نومیزو توشاکای»



● طرحی از بزرگان بیرجندی در کتاب «آب و جامعه آن»



● چهره میواب روستای خورک بیرجند

است.

فهرستی از مطالب این کتاب و نتیجه گیری پایان فصل اول را که نشان دهنده محتوای این اثر است در زیر می آورم:

فصل اول: اقلیم و تاریخ:

- ناحیه کوهستانی و کویر - کشاورزی در حاشیه کویر - کشاورزی در ناحیه کوهستانی و جلگه (دیمی و آبی)

- اقلیم و تاریخ ناحیه بیرجند: وضع عمومی، احوال اقلیمی. ناحیه بیرجند و خاندان علم. - طبیعت و تاریخ روستای فورک (از شهرستان بیرجند): وضع عمومی، منطقه جلگه و کوهستانی.

نتیجه فصل اول.

فصل دوم: آب و آبیاری:

- منطقه حاشیه کویر و آبیاری

- منابع آب و آبیاری در بیرجند: آبهای سطح الارضی (رودخانه، باران و سیل)، و آبهای زیرزمینی (قنات و چشمه و چاه)

- آبیاری با قنات در ده فورک: نظام آبیاری: حق آب، اندازه گیری آب و واحد آن، دارندگان حق آب، تغییر و انتقال حق آب، نوبت آب، گروه آبیاری.

- مرسوم در حق آبیاری، تنظیم حق آب به تناسب فصل و به تناسب کم و زیاد شدن آب. - آب و جامعه روستا: خشکسال، میراب، نگاهداری و لای روبی قنات. نتیجه فصل دوم.

فصل سوم: سازمان اقتصادی

- کشاورزی، کشاورزان زمیندار، مراتب کشاورزان، مدیریت کشاورزی.

- تولید و فروش محصولات عمده: گندم، چغندر قند، خشخاش.

- باغ میوه و زرشک.

- طرز کشت: چهار نوع کشت (محوطه، جداکاره، بند، شهره، شیره). استفاده از محصولی که کشاورز نگاه می دارد.

- گله داری: گله داری روستا، نگاهداری گله: گوسفند رماه، پرواری، و...

- فرش: قالی بافی، دستمزد و ساعات کار، قیمت تمام شده، مدیریت فروش.

نتیجه فصل سوم.

فصل چهارم: سازمان اجتماعی

— خوش‌نشین: تعریف آن، خوش‌نشین و کشاورز، انواع خوش‌نشین: صنعتکار (نجار و آهنگر)، خدمتکار (حمامی و سلمانی)، روحانی. کمک کار کشاورزان (دشتبان، آب‌پای، چوپان). خوش‌نشین‌های بی‌کار.

— روابط اجتماعی در روستای جلگه: ارباب و ضابط، مُشرف، تحویلدار، باغبان...  
— روابط اجتماعی در روستاهای کوهستانی: باردار و برزگر، اجاره‌کاری، ارباب و باغبان، توزیع محصول... ازدواج.

### نتیجه فصل چهارم

#### فصل پنجم: تغییرهای اجتماعی

— تغییر اجتماعی روستاهای ایران پس از اصلاحات ارضی...  
— تغییر اجتماعی روستاهای بیرجند پس از انقلاب اسلامی ایران (۱۳۵۷). تغییر سیاسی در روستای فورک، لایحه اصلاحات ارضی اسلامی، روستا و شهر، پناهندگان افغانی...  
— تغییر اقتصادی روستای فورک: قالی، زرشک

### نتیجه فصل پنجم

بخش پایانی: دگرگونی‌ها، اقلیم، حرکت جمعیت، فرهنگ حاشیه کویر. استندراک\*



نویسنده این کتاب در نتیجه‌گیری از فصل اول آن می‌گوید: پهنه فلات ایران را دو کویر پهناور پوشانده است. ناحیه بیرجند در حاشیه شرقی کویرلوت افتاده است و در دامنه سلسله کوههایی که به سوی افغانستان کشیده می‌شود. ناحیه حاشیه کویر ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد و میزان بارندگی در اینجا ۱۰۰ تا ۲۰۰ میلی‌متر در سال است. مختصات این ناحیه را می‌توان چنین خلاصه کرد:

— کشت آبی بیشتر با قنات آبیاری می‌شود.

— غله و حبوبات و صیفی و میوه‌هایی مانند زرشک و پسته و انار و انجیر در اینجا بار می‌آید.

— گله‌چرانی در مسافت طولانی و کوتاه معمول است. محصول گله‌داری پشم و گوشت و لبنیات است.

— به علت محدود بودن آب، خوش‌نشین بسیار است و ازیترو در روستاهای اینجا صنایع

---

\* خلاصه فهرست کتاب و نتیجه‌گیری فصل اول را خانم میزوکی ابراموتو دانشجوی ایرانشناسی با عبارات زیبا و روان آماده کرده است.

دستی مانند قالیبافی و سفال‌سازی رونق دارد.

— میزان آب متغیّر و بی‌ثبات است و این وضع موجب نقل مکان مردم می‌شود.

صنعت بیرجند فقط قالی‌بافی است، هر چند که حومهٔ این شهر معدن دارد. از جنوب قبیله محلی و از شرق افغانها می‌آیند و اینجا به هم می‌آمیزند. نفوذ و قدرت خاندان علم در این خطه از دیرزمانی پیش استوار بود و تاریخ آن به سدهٔ دوم هجری برمی‌گردد. نیاگان آنها در آن تاریخ قبیله‌ای در اصل عرب بودند، و اینجا را با بهره‌برداری از آبهای زیرزمینی کشت و تملک کردند.

## رسم و راه ژاپنی

شتر دیدی؟ نه:

ژاپنی‌ها در قدیم شتر ندیده و وصف آن را در کتابهای چینیان خوانده بودند. می‌گویند که در دورهٔ اِدو (سده‌های هفده تا نوزده) چیزهایی از عربستان آمد و چشم ژاپنی‌ها پس از اسب به جمال شتر روشن شد و این حیوان کز قامت راست رفتار کینه‌نگهدار در اینجا ارج و منزلت و محبوبیتی پیدا کرد. اسباب‌بازیها به انگارهٔ شتر ساختند و نویسندگان به وصف این حیوان باوقار پرداختند، چنین به زبانها افتاد که شتر فقط هیکل بزرگ دارد و خودش بی‌هنر و بی‌کاره است، چرا که «راکوُدا» که نام شتر در زبان ژاپنی است «راحت» هم معنی دارد. پنداشتند که نام شتر هم کنایه از تن‌آسانی اوست.

در آن سالها هلندیها که برای تجارت در ژاپن پایگاه داشتند و در جزیرهٔ کوچک دِجیما نزدیک ناگاساکی مستقر بودند، دو شتر به ژاپن آوردند و در یکی از سفرهاشان به اِدو (توکیو امروز) که هر ساله بنا به رسم برای ادای احترام به فرمانروای لشکری ژاپن (شوگون) به آنجا می‌رفتند، این شترها را با خود به راه انداختند و از غرب تا شرق ژاپن بردند. نما و حالت این دو شتر که کنار هم می‌رفتند چنان بود که مردم اوساکا و کیوتو و دیگر شهرها و آبادیهای سرراه به دیدن آنها می‌گفتند که این دو شتر به زن و شوهر می‌مانند، و ازینجا این تمثیل پیدا شد که زن و شوهری را که همیشه با هم دیده شوند و دوش به دوش بروند (به خلاف رسم و سنت ژاپن که شوهر مرد بیرون است و کدبانو زن خانه) شتر یا مانند شتر می‌گویند. این روزها فکر می‌کنند که شتر مرکوب مناسبی برای سفر است و شترسواری لذت‌بخش. شتر تصویر سرزمین‌های دور را در ذهن ژاپنی‌ها، ترسیم می‌کند، و از آن در تبلیغ‌های تجاری زیاد استفاده می‌شود.

هرچه باشد، «این شتری است که در خانهٔ همه می‌خواهد». گویا این مثل فارسی ازین افسانه آمده است که یکی از امیران عربستان دختر هر کسی را که می‌خواست شتر سفیدش را جلوی در خانهٔ او می‌خواستند که نشانهٔ این بود که دختر را باید به او بدهند وگرنه فشار و ستم و مرگ بر آن

خاندان روا بود (از: مثل‌های فارسی در افغانستان، گردآورده محمدتقی مقتدری، در: فرهنگ ایران‌زمین، سال هفتم - ۱۳۳۸).

### شمع روشن کردن در ۱۲ معبد

در کیوتو، شهر تاریخی و پایتخت قدیم ژاپن که پر از معابد گوناگون کهنه است، هر سال روز ۱۱ ژانویه مردم بسیار راه می‌افتند، پیاده و با دوچرخه، تا ۱۲ معبد را یکی پس از دیگری زیارت کنند و در هر کدام آنها برگ ورود به بهشت را که ۱۲ خانه دارد به مهر و سچل آن معبد برسانند تا در آن دنیا با این مدرک معتبر در قافله اهل جنت راه داشته باشند. یاد رسم «چهل منبر»، که در یکی از روزهای عزیز در پای چهل منبر شمع روشن می‌کردند، به خیر. رسم چهل منبر تا همین چند دهه پیش در دارالخلافه تهران برجای بود. اعتمادالسلطنه وزیر انطباعات دوره ناصری در روزنامه خاطراتش نوشته که رسم هر ساله چهل منبر را برگزار می‌کرده است.

### پیوند کهنه و نو، یا سنت و تجدّد

بنا به افسانه‌ای در ژاپن، دو ستاره در آسمان، که یکی را دختر بافنده و دیگری را پسر چوپان می‌نامند، دو دل‌داده‌اند که در دو سوی راه شیری (که ژاپنی‌ها «آمانو کاوا» به معنی رود آسمانی می‌خوانندش) از هم جدا افتاده‌اند، و فقط یک بار در سال، در شب هفتم ماه هفتم، می‌توانند دیدار کنند. جشنی به شادمانی وصال این دو دل‌داده در این شب سال از دیرباز برگزار می‌شود که «تاناباتا» نام دارد، و مردم به این بهانه شبی در تابستان گرم را به سرور می‌گذرانند و اگر هوا صاف و بی‌ابر باشد خود را به نگرستن به راه شیری و دیدن وصال دو دل‌داده آسمانی دلخوش می‌دارند.

امسال (۱۹۹۸) سازمان علوم فضایی ژاپن (NASDA) جانی تازه به این افسانه داد. دو ماهواره تحقیقی، هر کدام به نام یکی از این دو دل‌داده، به فضا فرستاد و شبانگاه هفتم ماه هفتم (ژوئیه) دیداری میانشان ترتیب داد و این دو را به هم رساند. این آزمایش با توفیق به انجام رسید و این دو ماهواره در این شب به هم پیوستند و پس از وصال کوتاه باز جدا شدند و هر کدام به مدار دیگری رفت. سازمان فضانوردی ژاپن این تجربه را بخشی از تلاش خود برای دست یافتن به تکنولوژی لازم برای کمک رساندن به ایستگاههای فضایی که در آینده نزدیک با همکاری کشورهای صنعتی ساخته خواهد شد، می‌داند.



## خاطره

### یادی از عبدالحسین حمزوی

دایساکو ایکه‌دا رئیس افتخاری بخش بین‌المللی جمعیت بودایی‌گرای سوکا گاکای و رهبر واقعی این جمعیت در ماهنامه این تشکیلات که به نام «دای بیاکو رن گیه» منتشر می‌شود یادداشتهایی می‌نویسد زیر عنوان «دوستانم در جهان که فراموششان نمی‌کنم». یکی از یادداشتهای اخیر او دربارهٔ مرحوم عبدالحسین حمزوی بود. سوکا گاکای منتسب به فرقه‌ای است که بر پایهٔ تعالیم نیچی رن بنیاد شده است، و اینان بت و تندیس بودا ندارند و سخنان متأخر بودیساتوا را که ناقض تعالیم اولیهٔ اوست می‌پذیرند. دربارهٔ حقیقت و معرفت برآند که این مایه‌ها از درون برمی‌آید و هر انسان جان بودایی دارد. نیز، به جای فکر به ذکر اهمیت می‌دهند. این فرقه که نام آن «انجمن (ارزش) خلاقه» معنی می‌دهد در سال ۱۹۳۰ به دست تسونه سابورو ماکی‌گوچی (۱۸۷۱-۱۹۴۴) و جوئسی تودا (۱۹۵۸-۱۹۰۰) بنیاد شد. ماکی‌گوچی، نخستین رهبر آن، از پیروان پرشور تعالیم بودایی نیچی رن شوءشو بود. اینان چون پیروان خود را سفارش می‌کردند که تعویذ و دعایی را که در معبد بزرگ شیتوی ایسه با حمایت دولت فروخته می‌شد نخرند، با حکومت نظامی وقت درگیر شدند و در سال ۱۹۴۳ همراه عده‌ای دیگر به زندان افتادند. ماکی‌گوچی پس از یکسال در زندان درگذشت و تودا که ایام محبس را به مطالعه گذرانده و در عقیده خود به تعالیم این فرقه راسخ‌تر شده بود با پایان یافتن جنگ آزاد شد و بی‌درنگ این جمعیت را احیاء کرد و به راه توسعهٔ سریع انداخت چنانکه پیروان آن را در سال ۱۹۵۱ به بیش از ۵۷۰۰ خانوار رساند و در ۱۹۵۳ شخصیت حقوقی آن را به ثبت رساند و در پایان سال ۱۹۷۰ گفته می‌شد که بیش از ۱۶ میلیون پیرو دارد. گردانندگان این جمعیت به صحنه سیاست هم توجه داشته‌اند و «کومی تو» (حزب حکومت منزه) را که از بزرگترین احزاب مخالف ژاپن است زیر بال و پر خود دارند. شعار تبلیغ خود را بر ترویج صلح نهاده‌اند و از مرزهای ژاپن هم پا بیرون گذاشته و در باختزمین و به ویژه در امریکا پیرو و پایگاه یافته‌اند. مانند هر ترکیبی دیگر ازین دست، بالانشین‌ها سخت زیرک و تجمل‌خواهند و فرودستان مردمی بیشتر نیک‌نفس و ساده و از قدیم هم گفته‌اند که مرید آنچنانی بهتر از یک توبره زر یا یک ده شش‌دانگ است. رهبر کنونی آن درگشت و گذارهای بسیار خود به آسانی حاضر به نشست و برخاست با کسی پایین‌تر از رهبران کشورها نیست. میان سالهای ۱۳۵۱ و ۱۳۵۶ که مرحوم عبدالحسین حمزوی سفیر شاهنشاهی در توکیو بود، انس و آشنایی نزدیک با سوکا گاکای یافت و آقای ایکه‌دا در میان شگفتی ناظران به میهمانی او آمد، و به این سابقه در بخش ۱۳ یادداشتهای خود (در شمارهٔ نوامبر ۱۹۹۷ نشریهٔ یاد شده) با عنوان «مرحوم عبدالحسین حمزوی سفیر کبیر پیشین ایران در

توکیو» از او چنین یاد کرده است:

«در اتاق کار سفیر بودم. چندین عکس در آنجا بود. آقای حمزای توضیح داد: «اینها برایم کسانی ارزشمندند.» پرسیدم که کی هستند، و گفت: «چندتاشان در زندانند؛ به جرم سیاسی. این یکی ۲۰ سال است که زندانی است، و این دیگری ۱۸ سال... همه دوستانم اند.» این را با افتخار می‌گفت، و با لحنی پروفار افزود: «هیچ معلوم نیست که کی آزاد می‌شوند. اصلاً معلوم نیست که بتوانند روی آزادی را ببینند.» دلم سوخت. گفتم: «فکر می‌کنید که این برای انسان خوشی دارد؟» گفت: «چیز خوشی است. آنها عدالتخواهند. احتمالاً روی آزادی را نمی‌بینند و در زندان می‌میرند. اما اگر هم سراسر عمر در بند باشند، اینکه کسی در جایی و حالی بمیرد که همواره بر عقیده خود استوار مانده، عظیم‌ترین چیز است. احساس خوشی و پیروزی دارد.»

«این سخنش را فراموش نمی‌کنم. این لحن سخن کسی بود که مبارزه کرده بود. جلالت داشت. زندگی عادی هم خوب است. اما آیا زندگی نه خوب و نه بد، بی‌داشتن ارزش ابدی، لذتی دارد؟... باید بگویم که نه. انسان باید مبارزه کند... تا فروغ ابدی به جان و دلش بتابد.»

«سبیل آقای حمزای سفید شده بود. او ۵۰ سال از عمرش را دیپلمات حرفه‌ای بود. کمی پیش از بازگشتش به میهن در پایان دوره مأموریت ۵ ساله در ژاپن شبی برایم مهمانی داد. آن شب ماه ژوئن ۱۹۷۷ سومین فرصت گفت‌وگویم با او بود. بار اول در دفتر مرکزی روزنامه «سی‌کیو» و بار دوم در دانشگاه «سوکا» سرافرازم کرد. سفیری با بصیرت بود و مردی نکته‌دان. می‌گفت: «بسیاری از مردم در این دنیا تسلیم جبر تاریخ و رویدادها شده‌اند. انسانهایی که نیروی خلاقیت دارند و تاریخ‌سازند کم‌اند. در میان سیاستگران هم آدم ویرانکار و خودپسند بسیار است. بنابراین رهبر مهم است: رهبری که به خلاقیت مردم میدان بدهد و آنان را به هدف عالی رهنمون شود تا بتوانند «جهان باشکوه» را بسازند. دنیای امروز نیاز به چنین رهبرانی دارد.» او برای صلح شوق داشت. حمزای نزدیک ۲۰ سال در لندن زندگی کرده بود و در سالهای جنگ دوزخ فرو ریختن بمبها و باران موشک‌های V2 نازیها را در این شهر دیده بود، و جنگ را تکرار حماقت‌ها و کاری بیهوده می‌دانست.»

«هنگامی که او را به «سرای مان‌یو» دعوت کردم، گفتم که این عمارت در دوره «ادو» (سده‌های هفده تا نوزده) ساخته شده و در اتصال پایه‌ها و تیرها میخ به کار نرفته است. گفت: «چه خوب است که انسان‌ها را بی‌استفاده از میخ به هم پیوندیم.» اندیشه‌اش این بود که ارتباط انسان‌ها و کشورها با هم فقط از سر مصلحت و بی‌روح و عاری از انسانیت کارساز نیست... به یاد دارم که در برابر کوششم برای «صلح از راه مبادله فرهنگی» چنان که سر خود را از لاک بیرون بیاورد (به حرکت آمد و) گفت: «موافقم. صدویست درصد موافقم!»

هنگام نشستن بر زمین به عادت ژاپنی) گفتم که لطفاً راحت باشید. اما سفیر همچنان دو زانو نشسته ماند و گفت: «من چنین بار آمده‌ام. در برابر فرادست‌ها یا بزرگترها دو زانو می‌نشینم.» من که چون برادر کوچک یا پسر او بودم بسیار شرم‌منده شدم.

چند بار گفت که «حتماً به ایران بیایید» آن روزها که معاون نخست‌وزیر ایران به ژاپن آمده بود سفیر بسیار مشغول بود، اما چون قول داده بود برای «جشن فرهنگ» با خانم و دخترش به دانشگاه سوکا آمد. دخترش بازیگر تماشاخانه در لندن بود. سفیر می‌گفت: «دختری که دل پدر را بفهمد در این دنیا نادر است. دخترم یکی از این استثناها است...» یک سال پس از آن‌که از ژاپن رفت، انقلاب ایران پیش آمد و حمزوی به لندن که دخترش زندگی می‌کند به تبعید رفت و در آنجا درگذشت.

در همان اتاق کارش عکس مرا هم آویخته بود، و در نوشته‌اش از سر لطف از من به عنوان «بارقه‌ای برای آینده» یاد کرده است. او مسلمان بود اما درباره آئین بودا نیز جدی مطالعه می‌کرد و شرح و تفسیر عالی نوشت... او که همراه آشفتگی احوال میهن خود زندگی کرد، آرزو داشت که روزگار تاریخ کشور خود و بشریت را روشن کند. این سخن را که «تاریکی هر چه هم که سیاه و سنگین باشد، باز نور یک شمع کوچک آن را می‌شکند» دوست می‌داشت. آن روز که در سرای «مان‌یو» بودیم، ظرفی سفالی را که از زمین دانشگاه «سوکا» از دل خاک بیرون آورده بودند نشان دادم. آن ظرف گلی را به دست گرفت و با لبخند گفت: «اگر چیزی بماند که پس از پانصد سال بگویند که «از سفیر یادگار مانده» چه خوب است!» شاره روح سوزان تا پانصد سال، هزار سال و... همچنان خواهد ماند...»

پروشکا علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



پس از خواندن این یادداشت چند بار مژه بر هم می‌زنیتم و به دنیای واقعیت، باز می‌گردیدم. مرحوم عبدالحسین حمزوی مردی بسیار بلندپرواز، زیرک و مردم‌شناس بود. به گفته خودش می‌توانست از بدترین وضعیت، بهترین نتیجه منظور را حاصل کند. در سال ۱۳۵۲ که توکیو را برای نخستین مأموریت نگارنده در وزارت خارجه پیشنهاد کردند شماری از آشنایان تجربه کرده هشیار و زنهار می‌دادند که مرو چون سفیر آنجا با کسی نمی‌سازد و زندگی به کامت تلخ خواهد شد. از سر جوانی و در پی تجربه تازه رفتم. از همان آغاز، کارهای فرهنگی و انبوه کارهای دیگر مجال گله و پشیمان شدن و برگشتن نمی‌گذاشت. حریمی و حرمتی هم در میان بود و جلوگیری درگیری. سفیر به کارهای خود می‌رسید که مرا با آن کاری نبود. گهگاه که مهمانهای بلندپایه و روزگار دیده از ایران می‌آمدند، جسته و گریخته از زندگی پرماجرایی سفیر می‌گفتند. خود او هم دوست می‌داشت که صمیمیت خود را با نقل خاطره‌هایش نشان دهد. می‌گفتند که در جوانی در

میان دانشجویان به اروپا اعزام شده دوره رضاشاه به لندن رفته، اما به جای درس و دانشگاه به کار در سفارت رو آورده بود. از تقی‌زاده، حسین‌علاء و تا اندازه‌ای هم علی‌سپهلی که در آن سالها سفیر در لندن و رئیسش بودند، بارها و به احترام یاد می‌کرد و خود را تربیت شده آنها می‌دانست. اعتماد حسین‌علاء را تا به جایی جلب کرده بود که هنگام صدارتش ریاست اداره تبلیغات (وزارت اطلاعات و جهانگردی بعدی) با مقام معاون نخست‌وزیر را به او داد. علاء در یکی از گزارشهایش به شاه در این سالها نوشت: «... موج اخبار زننده و دروغ که تمام جراید اروپا و امریکا را پر کرده... از تهران سرچشمه گرفته است... در مقابل این انتشارات و تبلیغات ناروا لازم است یک نفر شخصی با سررشته در امور مطبوعاتی و مطلع از اوضاع ایران برود به اروپا و همه‌جا مصاحبه مطبوعاتی بدهد و مقاله بنویسد و در تلویزیون حاضر شود تا حقایق پخش و اثر شهرت‌های نادرست محور گردد... به نظر می‌رسد که شجاع‌الدین شفا بتواند [از] عهده این مأموریت برآید در اروپا، و حمزای در انگلستان.» (از: یادداشت عرض چاکر حسین‌علاء به پیشگاه مبارک به تاریخ ۱۷ شهریور ۱۳۳۹، به نقل از: خاطرات جهانگیر تفصّلی، نشر حوزه هنری، ۱۳۷۶، ص ۲۱۳ و ۲۱۴). اما قضاوت تقی‌زاده درباره او دیگر است. در یکی از نامه‌های تقی‌زاده می‌خوانیم: «یک نفر دیگر درین سفارت داریم موسوم به حمزای که عضو محلی است و برای کارهای محلی اینجا ضرورت دارد و شخصاً اگر دل به کار بدهد لایق است. لاکن او نیز شدیداً از قلت عایدی خود پس از شانزده سال خدمت در اینجا شکایت دارد... اگر اقدامی برای کمک بیشتری به او نشود به کلی دلسرد شده و شاید برود و در آن صورت کار سفارت قطعاً از بابت کارهای انگلیس لنگ می‌شود...» (از نامه تقی‌زاده در سفارت لندن به نصرالله انتظام وزیر امور خارجه، ۲۶ آذر ۱۳۲۳، به نقل از: نامه‌های لندن، به کوشش ایرج افشار، تهران، ۱۳۷۵، ص ۱۴۸). او در جای دیگر می‌نویسد: «حمزای نیز عازم ایران است و می‌خواهد برای خود کار بهتری دست و پا بکند و شاید او هم تقاضای توصیه بنماید. چون او را خوب شناخته‌اید نسبت به او چیزی لازم نیست عرض کنم. [به] این نوع اشخاص که عادت به انتقاد [تزد] مردم دارند و در این باب داد بلاغت می‌دهند باید توجهی شود که نزد این و آن عیب‌جویی از رئیس خودش نکند.» (از نامه به عبدالحسین هژیر، مراسله خصوصی، ۳۱ فروردین ۱۳۲۶، به نقل از همان‌جا، ص ۲۴۹).

عبدالحسین حمزای فضیلت‌هایی چند داشت: در انگلیسی دانی او حرفی نبود، و در زیرکی و کاربری‌اش هر جا که صلاح کار خود نیز می‌دید، و مانند هر کس دیگر، کم یا بیش، ضعف‌هایی هم داشت. نکته‌دان بود و برای موفقیت در تماسهای رسمی از راههای خاص خود وارد می‌شد. بیشتر به شیوه اهل تجارت و اقتصاد، که در آن سخت آزموده بود، رفتار می‌کرد تا مرد سیاست

اگر این دو را از هم جدا بدانیم). اما محبوب نبود و معتقد و دوستدار نداشت، یا بسیار کم داشت، و معترض و منتقد بسیار. اهل مبارزه فداکارانه و درافتادن با دولت و دستگاه یا هم پیاله و پیمان شدن با مبارزان هم نبود. هیچ روشن نیست که عکس‌هایی که به رهبر سوکاگاکای نموده و آنها را دوستان زندانی خود خوانده از چه کسانی بوده است. به احتمال می‌خواسته است از احساسات رسمی جمعیتی که چند سال در بند ماندن رهبر پیشین خود در سالهای جنگ را، سالهایی که بسیاری از جمعیت‌های سیاسی و اجتماعی همین سرنوشت را داشتند، پایه و مایه اعتبار و هویت خود ساخته است، بهره ببرد. حمزوی نکته‌های بسیار درباره خود می‌گفت. یکی را که بیشتر به یاد می‌آورم این بود: «با عمیق شدن در آیین بودا دریافته‌ام که چکیده و جوهر تعالیم بودا دو حرف است: به حرف مردم اعتنا نداشته باش و به مال دنیا»، و می‌افزاید: «من به نیم تعالیم و معرفت بودا رسیده‌ام چون به حرف مردم هرگز اعتنا ندارم. اما نیم دیگر، بی‌اعتنا بودن به مال دنیا، را هیچ نتوانسته‌ام.»

### اندیشه ژاپنی

#### کلمه و کلام

از دانشجویان فارسی‌آموز ژاپنی خواسته بودم که با چند کلمه جمله‌هایی بسازند. آنچه که یکی‌شان نوشته نموداری است از فکر و فرهنگ ژاپنی:

آبی: می‌گویند که پرندۀ آبی (رنگ) خوشبختی می‌آورد.  
 ته: می‌گویند که ازدها در حوضی که ته ندارد زندگی می‌کند.  
 سخت: ژاپن مسأله‌های اجتماعی سخت زیاد دارد.  
 سگ: شنیدم که سگ ضعیف بیشتر پارس می‌کند.  
 شب: شب که می‌آید، جغد شروع می‌کند به خواندن.  
 امتحان: خواهر فقط وقتی که نمره خوب گرفته باشد برگ امتحانش را نشان می‌دهد.  
 آزاد: هر روز دزدها به زندان فرستاده می‌شوند و از زندان آزاد می‌شوند.  
 زدن: آموزگار قدیم ژاپنی بارها شاگردش را می‌زد، اما حالا نمی‌زند.  
 دزدیدن: دوست که کودک بود بارها مال دیگران را می‌زدید.  
 خرس: می‌گویند که خرس آدم مرده را هرگز نمی‌خورد.  
 نادان: در قدیم مردم ژاپن فکر می‌کردند که خارجیها نادان هستند.  
 میمون: خواهر که کوچک بود، همانند میمون بود.  
 زیر: هم ژاپنیان و هم ایرانیان زیر یک آسمان زندگی می‌کنند.

اثاث: بعضی از اثاث در خانه‌ام مال مادر است.  
پُل: در ناگاساکی پل عینک شکل (پل طاقی یا چشمه‌ای) زیاد است.  
قیافه: یک دبیر دبیرستان قیافه‌اش مانند مجرم است.  
بلند: بر روی هم ژاپنیان آدمی را که بینیش بلند است دوست دارند.

### دقت ژاپنی

چندی پیش با خارج شدن یک قطار تندرو آلمان، ICE، از خط، نزدیک به یکصد نفر جان خود را از دست دادند. و علت این حادثه شکسته شدن چرخ قطار در حال حرکت سریع اعلام شد. بی‌درنگ پس از این اعلام، مسئولان راه‌آهن ژاپن شروع به بازرسی فنی ترن‌ها کردند و چند روزه بخش‌های حساس و آسیب‌پذیر ۱۱۰۰ دستگاه واگن ترن تندرو ژاپن (شینکانسن) را با دستگاه‌های دقیق از زیر ذره‌بین گذراندند که مبادا جایی و قطعه‌ای دچار ترک خوردگی و فرسودگی شده باشد. این همه احتیاط و پیش‌گیری در حالی است که گفته می‌شود که چرخهای «شینکانسن» ژاپن ترکیب متفاوتی نسبت به چرخ ترن تندرو آلمان دارد، و یک پارچه و یک قطعه و با هزینه گرانتر ساخته شده است.

۲۶۶

ای زر، تو خدانتی..

جمعه ۹ ژانویه ۱۹۹۸- امروز هم مردم بسیار در اوساکا به معبد ایبیسو Ebisu رفتند تا برای رونق کسب و کارشان در سال نو دعا کنند و از ایبیسو ساما (حضرت ایبیسو) که ربّ النوع پول و ثروت است بخواهند که به کسب آنها برکت بدهد و بختشان را بیدار کند تا پول روی پول بینارند. بیشتر در اوایل شب که اهل کسب و کار به خانه برمی‌گردند و سرراه سری به معبد حضرت ایبیسو می‌زنند، اینجا پر از جمعیت است. می‌گویند که این حضرت گوشش سنگین است، پس اوساکایی‌های کاسب‌پیشه به این نتیجه رسیده‌اند که برای برآورده شدن حاجت باید به بانگ بلند فریاد کنند و مراد بخواهند. سال نو برای بازاریان اوساکا به راستی از امروز که به زیارت حضرت ایبیسو رفته و نیاز خواسته‌اند شروع می‌شود.

### از اینجا و آنجا

چشم بادامی

میان ما عادت است که ژاپنی‌ها، به خصوص جنس لطیف سرزمین آفتاب، را «چشم بادامی» می‌نامیم. شاید که منظور حالت چشم آنها است، کشیده و باریک چنان که بادام را از کنار آن



بنگرند. اما چشم بادامی در فرهنگ ایران توصیف دیدگان زیبا و گیرا و چشم و دل نواز است و از مشخصات زیبایی زن. شادروان دهخدا در «امثال و حکم» در معنی «مثل بادام» نوشته است: «چشمی کشیده و زیبا». شرح این معنی را بخشی از مقاله دکتر جلال خالقی مطلق درباره زیبایی کمال مطلوب در زن در فرهنگ ایران (در: ایرانشناسی، سال هشتم، ش ۴- زمستان ۱۳۷۵، ص ۷۰۵ و ۷۰۶) می آورم:

«از دوره ساسانی نیز دو توصیف جالب (از زیبایی زن) در دست است: توصیف نخست منسوب به زمان خسرو انوشیروان از رساله کوچکی در زمینه برخی دانستنیها و زیباشناسی... با عنوان خسرو قبادان و ریدک... جوان در پاسخ خسرو که می پرسد: «بهترین زن کیست؟» چنین پاسخ می دهد:

«ریدک گفت: انوشه بُویدا آن زن بهتر که در منش دوست مرد باشد، بالایش میانه... کمرش باریک، کف پا منحنی، انگشتان دراز... ناخنش به رنگ برف، گونه اش به رنگ انار، چشمش چون بادام، طاق ابرو چون پوست بره، دندان سفید، گیسوان سیاه و درخشان و بلند...»

«تعالی نیز درالسیتر چکیده ای از مطالب این رساله را که به زمان خسرو پرویز نسبت داده آورده است و در آن جا توصیف بالا چنین آمده است:

«گفت: از زیباترین و جذابترین زنان برگوی. گفت: آن که بر دل بنشیند و خاطر او را بخواهد، و بهترین آنان آن است که... خوش قامت، زیباروی، خوش اندام، با پیشانی صاف، کمان ابرو، بادامی چشم...»

«می توان نتیجه گرفت که چشم بادامی از مشخصات زیبایی ایده آل در زن دست کم در زمان ساسانیان هم بوده است.»

### جنگ عنکبوت ها

مردم شهر کاجیکی در ایالت کاگوشیما، جنوب غرب ژاپن، به عنکبوت پروردن و به جنگ انداختن این حیوانهای نازک ساق دام گستر خوشند. یکی از شنبه های اوایل تابستان هر کدام عنکبوتی می آورند و در میدان شهر روی داربستی تئین با عنکبوت دیگر به جنگ می اندازند و هر یک از عنکبوت ها که دیگری را به زیر انداخت صاحبش برنده است و پاداش تلاش و خودگشان عنکبوت بیچاره را می گیرد. داور مسابقه روی تشکچه ای کنار داربست نشسته است و یکی از دو عنکبوت که سرازیر شد، چون هنوز به تارش بند است، با انگشت تار را می بُرد و عنکبوت بالایی را برنده اعلام می کند و این حکم هم قابل پژوهش و فرجام خواستن نیست. این شهر جاذبه های دیگر، به خصوص سفال سازی و کوزه گری، هم دارد.

## سنجاقک و صداقت

روزی در بهار امسال از شماری از ورزشکاران ژاپن که در بازی‌هاشان صداقت نشان داده و به عدالت بیشتر از برد و باخت ارجح نهاده بودند تجلیل شد. جایزه اول را به یک بازیکن بیسبال دادند که چون سنجاقکی را روی توپ که در دست داشت نشسته دید، آن را نینداخت و صبر کرد تا سنجاقک بپرد و بازی را باخت. خود این ورزشکار در مصاحبه می‌گفت که: خوب، اینطور پیش آمد، اما دلش نمی‌خواهد که چنین بازی کند و بهتر می‌دید که بازی را ببرد تا که به عنوان بازیکن نمونه عدالتخواه یا حیوان دوست معرفی شود.

## کوی چلچله‌ها

نزدیک مرکز شهر اوساکا ایستگاه قطار شهری و محله‌ای است به نام جوُسُو (که به ژاپنی سیزده معنی می‌دهد. حتماً سیزده برای ژاپنی‌ها سعد است). این محله کوی و برزنی دارد که «تسو بامه دوری» یا «کوی چلچله‌ها» نام گرفته است. اینجا کنج ایوانها و کمرکش دیوارها و زیر لبه باران‌گیر بام بناها پُر است از لانه دم‌جنبانک‌ها. هیچ‌کس نمی‌داند که این پرنده‌های کوچک زیبا چرا و از کجا به اینجا آمده و لانه و کاشانه ساخته‌اند. پرستوها هر سال کوچ می‌کنند. لانه و کاشانه‌شان را می‌گذارند و به سرزمینهای دور می‌روند و زمستانها را در جاهای خوش آب و هواتر می‌گذرانند و باز بهار که آمد باز می‌گردند و با جیک‌جیک همیشگی‌شان شور و سروری تازه همراه می‌آورند. مردم صاحب‌دل و خوش‌ذوق این محله هم آمدن چلچله‌ها را به فال نیک گرفته و گردهم آمده و هرگونه ابتکار در کار آورده و به مایه اقبال چلچله‌ها محله‌شان را رونق بخشیده و نام و آوازه‌ای برایش فراهم ساخته‌اند. دسته‌های آواز به نام «تسو بامه» (چلچله) درست کرده و دکانها و ناهارخوری، و چاپخانه‌ها و آموزشگاههای هنری و سرودخانه‌ها و بسیاری جاها مانند اینها را دم جنبانک و چلچله و پرستو یا ترکیب‌های ساخته ازین نام (البته به ژاپنی) نام داده‌اند. پنداری که همچون زنده‌یاد سهراب سپهری شعر شادی و راز روزگار را در چشم چلچله‌ها خوانده‌اند:

کسی شاید نمی‌داند

که در چشمان دم‌جنبانک امروز  
عکس سایه‌های شط دیروز است

با این طرح و تدبیرها، کوی پرستوها حال و هوای دیدنی و پرجاذبه‌ای یافته است برای مردم دور و نزدیک که به تماشا می‌آیند، و دیگران هم که گذارشان به محله «سیزده» می‌افتد سری هم به کوی چلچله‌ها می‌زنند تا جیک‌جیک مستانه دم‌جنبانک‌ها را بشنوند و جوجه پرستوها را در

لانه‌هاشان ببینند، و اگر هم چلچله‌ها کوچ کرده باشند دمی در چایخانه‌های پررونق اینجا بیاسایند و چند ترانه‌ای در وصف پرستوها و پرواز و کوچیدن و رفتن و بازآمدنشان بشنوند و بخوانند.

## گزارش

### ژاپن به کجا می‌رود

عزرا ووگل Ezra F. Vogel نویسنده کتاب مشهور و پرفروش Japan as No.1 که به فارسی هم ترجمه و به نام «ژاپن، کشور شماره ۱» منتشر شده است، گفت و گویی با تلویزیون ملی ژاپن (NHK) داشت که روز ۷ ژانویه ۱۹۹۸ پخش شد. خبرنگار پرسید که در کتاب خود نوشته‌اید که اگر ژاپن فروتنی را از دست بگذارد، دیگر شماره ۱ نخواهد بود. آیا با پیش آمدن کساد اقتصادی می‌توان گفت که چنین وضعی روی داده است؟ نویسنده گفت که چنین پیداست، و افزود: ژاپن در دهه ۱۹۸۰ رو به عروج بود و امریکا دستخوش کساد. حالا وضع دیگرگون شده است. از هنگامی که دولت ائتلافی با نخست‌وزیری هوسوکاوا پیدا شد (و ثبات سیاسی ژاپن از میان رفت) ژاپن جهت خود را گم کرده، سیاست‌گرانش خط روشنی ندارند و حکومت آن دچار آشفتگی و بی‌ثباتی است. امریکا بحران را از سر گذرانده زیرا که از ژاپن بسیار آموخته است، به ویژه در نظام تولید و صنعت. ژاپن نیز اکنون باید به چین نگاه کند. چین، به خصوص در آینده، کشور بسیار مهمی است و ژاپن باید مسائل سیاسی خود را با آن حل کند و راه همکاری را هموار. امریکا هم مسائل بسیار دارد که باید به آن بپردازد، اما اعتماد به نفس را بازیافته حال آن که ژاپن اعتماد به خود را از دست داده است. ووگل افزود که ژاپن در بخش خصوصی اقتصاد خود مغزهای زاینده و سازنده دارد، باید بیشتر به ابداع روی بیاورد، و از استعدادهای نهفته در عرصه سیاسی نیز در فضایی دور از تغییر و تزلزل بهره گیرد. او اشاره داشت که بسیاری از فضیلت‌هایی که برای ژاپن می‌شناخته از دست رفته و احوالی که پیش‌بینی می‌کرد که در این وضع پیدا شود پیش آمده است و باید به فکر چاره بود.

### خودکشی

از مسائل اجتماعی امروز ژاپن افزایش خودکشی است. برابر گزارش رسمی، ۲۴،۳۹۱ نفر (۱۶۴۱۶ مرد و ۷۹۷۵ زن) در یک ساله ۱۹۹۷ خودکشی کرده‌اند. این شمار نسبت به سال پیش از آن ۵/۶ درصد افزایش داشته و در سالهای پس از ۱۹۸۹ که اقتصاد این کشور از شتاب ترقی افتاد و رو به رکود رفت از همیشه بیشتر بوده است.

خودکشی با همه حس عطفی که در مردم برمی انگیزد، ننگ و بدنامی برای خانواده همراه دارد. در سده‌های پیش سامورایی‌های ناکام به جبران شکست یا رسوایی، شکم خود را می‌دریدند. در زمانه ما صاحبان کسب و کار که به ورشکستگی افتاده‌اند خودکشی می‌کنند. بیشتر خسته‌شدگان از زندگی کسانی‌اند که از بیماریهای جسمی یا روحی رنج می‌برند (۴۰ درصد در مجموع، و بیشتر پیران)، وضع مالی نابسامان دارند (حدود ۲۰ درصد)، در امتحان ورودی مدرسه و دانشگاه یا آزمون کاربایی رد شده‌اند (نوجوانان و جوانان)، و کارمندانی که از فشار بی‌اندازه کار رنج می‌برند. چهره‌های سرشناسی از اهل سیاست و تجارت که به رسوایی و بدنامی افتاده‌اند، گه‌گاه در این میان دیده می‌شوند. چند سالی پیش سیاستمدار معروفی که در گزینش حزب حاکم برای نامزد شدن به نخست‌وزیری رأی کافی نیاورده بود خودکشی کرد. چندی پیش یک نماینده مجلس که برای تقلب در دریافت و مصرف کمک هزینه هنگفت انتخاباتی قرار بود تعقیب قانونی بشود شب پیش از دستگیر شدنش خود را حلق‌آویز کرد. رئیس پیشین یک بانک عمده هم که با دادن حق‌السکوت به اخاذان رسواساز شرکت‌های اقتصادی قانون‌شکنی کرده بود خود را کشت. از این نمونه‌ها فراوان است.

۳۵۰۰ تن از قربانیان خودکشی سال پیش از پیران بودند. ۱۵ ماه سپتامبر (۲۴ شهریور) در ژاپن روز تجلیل از سالخوردهگان است، و شگفتا که هر سال در این روز شماری از سالخوردهگان دست به خودکشی می‌زنند. گویا شماری از روزگار دیدگان در این روز با موج تبلیغ و تحسین که برپاست و سخنان بلند و زیبا که درباره قدر و فضیلت سالخوردهگان همه‌جا می‌گویند و می‌نویسند، به تأمل می‌نشینند و بیشتر به یاد می‌آورند که زندگی‌شان چه اندازه تهی و خالی از افتخار یا همراه تنهایی و دل‌تنگی است، و خود را از بند این زندگی آزاد می‌کنند. درباره خودکشی مردم کاری و فعال چنین تحلیل می‌کنند که ژاپن و مردم سازنده آن در دهه‌های پیش هدفی روشن و والا داشتند که همانا رسیدن به پای غرب بود و به جایگاه موازی آن در صنعت و اقتصاد. اما امروزه که این مقصود در کنار است، گویی که راه و هدف خود را گم کرده‌اند. بیشتر آنهایی هم که از فشار کار در رنجند گفته‌اند که در خانه هم روی آرامش نمی‌بینند و کسی را هم ندارند که به او پناه ببرند.

از قدیم جاهایی در ژاپن برای خودکشی شناخته شده بود، و به ویژه پرتگاههایی که بیشتر دلدادگان ناکام مانده از وصال یکدیگر برای خودکشی در کنار هم به آنجا می‌رفتند. امروزه معروفترین جا برای خودکشی بیشه‌زار انبوهی است که آئوکی‌گاهارا جوکای Aokigahara Jukai خوانده می‌شود، در دامنه کوه فوجی و در ایالت یاماناشی. بیشتر آنهایی که جای دور از جمعیتی برای خودکشی می‌جویند به اینجا می‌آیند و با طنابی که همراه دارند خود را به شاخه‌ای

می‌آویزند یا زهر می‌نوشند و به انتظار اثر آن می‌نشینند. نزدیک سی سال است که هر سال چند بار صدها مأمور پلیس و آتش‌نشانی دل تیره و نمناک این بیشه‌زار را که درختانی ۳۰۰ ساله در آن سر به هم آورده‌اند، جستجو می‌کنند. در ده ماهه اول سال ۱۹۹۸ نزدیک به شصت جسد یافته‌اند و می‌گویند که شمار خودکشی‌ها در اینجا تا پایان این سال میلادی به بیش از ۷۰ خواهد رسید که بیشتر از همه سال است. گویا رو کردن نامرادان به این پارک ملی از سال ۱۹۹۳ که کتاب جنجال‌برانگیزی با عنوان «راهنمای کامل خودکشی» نام و نشان این بیشه را به جویندگان شناسانده فزاینده بوده است. کسانی هم می‌گویند که شهرت مرگبار اینجا به سال ۱۹۶۰ بازمی‌گردد که کتاب داستانی به نام «پاگودای امواج»، که چندی بعد فیلم سینمایی هم از آن ساختند، انتشار یافت. این کتاب داستان زنی است که در این بیشه خودکشی می‌کند.

در برابر روی تاریک و ترسناک خودکشی‌ها، کار کسانی که از روی صفا و پاکی دل و با احساس مسئولیت عمیق در پیشامدی که بسا در آن بی‌تقصیر بوده‌اند، دست به خودکشی می‌زنند، عاطفه و ستایش دلسوزانه انسان را برمی‌انگیزد. به نمونه‌هایی از آن می‌نگریم:

— در ایالت یاماناشی یک اتوبوس سیاحتی که کارمندان شرکتی را به گردش می‌برد به دره افتاد و سه تن از مسافران جان خود را از دست دادند و ۶۱ تن زخمی شدند. پس از حادثه راننده را ندیدند اما به زودی او را در ۲۰۰ متری آنجا پیدا کردند که خودش را به درختی دار زده بود. گفتند که ۲۵ سال بوده که رانندگی می‌کرده و بنا به تحقیق به دره افتادن اتوبوس هم برای سهل‌انگاری او نبوده است (۵ اکتبر ۱۹۸۵).

— راننده اتوبوس کودستانی در شهر ناگویا پس از توقف و پیاده کردن چند شاگرد کودستان نزدیک خانه‌شان بچه دو ساله‌ای را که از بی‌توجهی مادر بزرگش جلو اتوبوس (بیرون از میدان دید راننده) آمده بود زیر گرفت. راننده ۶۶ ساله به دنبال این حادثه ناپدید شد، و پس از جستجو او را در صد متری محل حادثه یافتند که خود را با کمر بندش به درخت کاجی حلق‌آویز کرده بود. گفتند که هیچ سابقه حادثه در رانندگی نداشت، با بچه‌ها بسیار مهربان بود و بیشتر وقتش را در کودستان می‌گذراند و جز رانندگی به نگهداری گلها و رسیدن به باغچه آنجا سرگرم بود (۱۴ آوریل ۱۹۹۲).

— تانکر حامل مواد نفتی در بزرگراه نزدیک مرکز توکیو واژگون شد و آتش گرفت. اندکی پس از این پیشامد، پلیس راننده نفت‌کش را یافت که خود را به درختی در آن نزدیکی حلق‌آویز کرده بود.

انگلیت کمپفر پزشک، پژوهنده و سفرنامه‌نویس آلمانی که شرحی بسیار خواندنی درباره ژاپن نوشته از آسان‌گیری مرگ نزد ژاپنی‌ها یاد کرده و نمونه‌هایی از آن در روزگار اقامت خود در

این سرزمین (۱۶۹۰ میلادی و پس از آن) بازگفته است.

### صد سالگان

۱۵ سپتامبر (۲۴ شهریور) را در ژاپن روز تجلیل از پیران شناخته‌اند. امسال (۱۹۹۸) مقارن این روز اعلام شد که شمار ژاپنی‌هایی که یکصد سال یا بیشتر دارند از ده هزار گذشته و به ۱۰۱۵۸ رسیده است، که ۸۳۴۶ نفرشان زن و ۱۸۱۲ تن مردند. ایالت‌های اوکیناوا (در جنوب، نزدیک خط استوا)، کوچی و کاگوشیما بیش از هر جای دیگر پیران بیش از صد ساله دارند. سالمندترین ژاپنی خانم تاسه ماتسوناگا است که از ۱۵ سال پیش در خانه سالخوردگان به سر می‌برد و پیرترین مرد ۱۱۱ ساله است. کین سان و گین سان (به فارسی، زرین خانم و سیمین خانم) دو خواهر توأمان که میان مردم بسیار محبوبند، امسال به ۱۰۶ سالگی رسیده‌اند. خداوند به آنها تا ۱۲۰ سالگی عمر با عزت دهد!

۲۷۲

## عشق بازی می‌کنم با نام او

مهری شاه‌حسینی

(از میان شعرهای ۱۳۲۶ تا ۱۳۷۶)

کتاب مهناز - تهران: ۱۳۳۶، یوسف آباد، خیابان اسدآبادی، شماره ۱۰۱

تلفن: ۸۷۱۲۵۴۲



# ایران در «نامه‌های ایرانی»

منتسکیو

فاطمه عشقی

۲۷۲

هر چند صباحی که نام ایران به گوش متخصصین غربی می‌رسد، فوراً به رمان «نامه‌های ایرانی» منتسکیو که قریب به سه قرن از نگارش آن می‌گذرد، فکر می‌کنند و خیال می‌کنند که همانند منتسکیو و ادعای او در «روح القوانین» ایران را می‌شناسند.

کاملاً صحیح است که این نامه‌ها برای ما اهمیّت سابق را ندارد، شاید هم اصلاً آنها را نشناسیم ولی از دید غربی‌هایی که هرگز به ایران سفر نکرده‌اند و شناخت آنها منحصر به خبرنامه‌های ایرانی و اخبار کوتاه و تخطئه شده است، نامه‌های ایرانی زنده است. از این رو در اینجا می‌کوشیم تا علت نوشتن نامه‌های ایرانی را بر طبق اطلاعاتی که در دست است، و همچنین صحت و سقم آن را برای خوانندگان عزیز روشن کنیم، باشد که با تحقیقات دیگر ثابت کنیم که وظیفه ما ایرانیان است که خود را در سطح جهانی بشناسانیم و احترامی را که لایقش هستیم در آنجا نیز کسب نماییم.

در ابتدای قرن هجدهم میلادی، فارغ‌التحصیلان مدرسه عالی زبان‌های شرقی<sup>(۱)</sup>، چندین اثر

1 - A. Galland Paroles remarquables, Bons mots et maximes des orientaux, 1694 et traduction des Milles et une Nuit, 1704

از دست نوشته‌های ایرانی<sup>(۱)</sup> را ترجمه کردند... این منابع ایرانی الاصل، رنگ و سبک جدیدی به ادبیات فرانسه بخشید: در لابه لای این سبک جدید، که به تفنن و تملق‌گویی آراسته شده بود، اوضاع و احوال زندگی ایرانیان، مذهب، سیاست و آداب و رسوم که در سفرنامه‌های سیاحان به تفصیل مورد بحث قرار گرفته بود، دوباره متجلی شد. با وجود این که در سفرنامه‌ها جنبه‌های غیرواقعی و اغراق‌آمیز بسیار وجود داشت، در آنها روحی نزدیک به واقعی و دیدی انتقادی نیز به چشم می‌خورد. این گونه نوشته‌ها در نزد عامه مقبولیت قابل ملاحظه‌ای به دست آورد. زیرا تفاوت‌ها و شباهت‌ها، آنها را به هیجان می‌آورد و به‌طور کلی، انبوهی از احساسات اجتماعی و سیاسی آنان را نیز تحت‌الشعاع قرار می‌داد. به طوری که اندک‌اندک تمام منابع ادبی، از تراژدی و کمدی گرفته تا اپرا و رمان، به فضایی شرقی آراسته شد.

در سفرنامه‌های قرن هفدهم و به ویژه آنهایی که در اواخر این قرن نوشته شد، شناخت مشرق زمین با دیدی تطبیقی نسبت به کشورهای اروپایی صورت گرفته است. این قیاس‌ها، طبیعتاً انگیزهٔ پیدایش نوع خاصی از انتقاد اجتماعی شد. به عنوان نمونه‌ای بارز باید از سیاحت‌نامه شاردن<sup>(۲)</sup> نام برد. شاردن هرگز اصالت پروتستانی خود و مشکلاتی را که جامعه‌اش به سبب آن برایش پیش آورده بود، فراموش نکرد. او همواره ایرانیان و فرانسویان را در زمینه‌های گوناگون در کنار یکدیگر قرار می‌داد. به کمک این گونه آثار بود که رمان‌نویس‌ها و فلاسفهٔ قرن هجدهم یا فقط رنگ و روغن شرقی به کتاب‌های خود دادند یا برای انتقاد از وضع سیاسی، اجتماعی و مذهبی کشورشان، تحت پوشش‌های مبدل، انتقادی اصولی و اساسی از جامعهٔ خود را عنوان کردند. عامه مردم، بذله‌گویی‌ها و خوش صحبتی‌ها و خوش‌گذرانی‌های شرقی را، که فضای دیگری ارائه می‌داد، طلب می‌کردند. روشن‌فکران و فرزاتگان درس‌های اخلاقی و نصایح و پندهای خود را در این قالب به مردم آموختند.

پراوازه‌ترین اثر از این نوع صنعت ادبی، نامه‌های ایرانی مونتسکیوست. او اولین نویسنده‌ای است که هجوگرایی را در قالب شرقی در قرن هجدهم رواج داد. آن هنگام فقط ۲۱ سال از این قرن می‌گذشت و نامه‌های او به صورت مخفیانه در آمستردام منتشر شد. استقبال از این نامه‌ها آن

1 - Petis De Lacroix Histoire de la Sultan de Perse et des Vizirs, 1707; Mille et un Jour 1710 - 1712

۲ - این مدرسه در سال - ۱۶۹۹ پایه‌گذاری شد

2 - Jean Chardin Voyage du chevalier Chardin en Perse et autres lieux de l'Orient, nouvelle edition par L. Lanles, 1811, 10 vol.